

صلى الله عليه وسلم



پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

# رابطه عقل و دین از دیدگاه فخر رازی و

## خواجه نصیرالدین طوسی

نگارنده :

فائزه علی اکبری شاندیز

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر جهانگیر مسعودی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سیدمرتضی حسینی شاهرودی

بهار ۱۳۹۰

تقدیم بہ

آستان ملکوتی امام ربوف،

علی بن موسی الرضا (ع)

تقدیم به

پدر و مادر گرامیم

که در همه مراحل زندگی مدیون محبت و الطافتان بوده ام.

تقدیم به

همسر عزیزم

که همواره پشتیبان و بهترین مشوق من بوده است.

و تقدیم به

سکوفه های باغ زندگیمان که با کیمیای وجودشان "سحر" گاهن امیدمان را به

"سپیده" دم دانایی مبدل کردند.

## سپاسگزاری

پس از حمد و سپاس بیکران به درگاه خدای متعال  
از استاد ارجمند جناب آقای دکتر جهانگیر مسعودی که راهنمایی این پایان نامه را بر عهده  
داشتند و در طول انجام تحقیق از توصیه‌ها و تذکرات راهگشا و مؤثر ایشان بهره بردم و نیز  
از مشاوره جناب آقای دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی سپاسگزاری می‌نمایم. از کلیه  
اساتید گروه فلسفه و حکمت دانشگاه فردوسی مشهد به ویژه آقایان دکتر عباس  
جوارشکیان و دکتر علیرضا کهنسال که زحمت داوری این تحقیق را متقبل شدند قدردانی  
می‌کنم. بی‌شک انجام موفق این پژوهش را مدیون شکیبایی و همراهی خانواده گرانقدرم  
هستم: از پدر و مادر گرامیم که با شرح صدر، همکاری و حمایت‌های بی دریغشان در تمام  
دوران زندگی و تحصیل، یاور و پشتیبان من بودند بسیار سپاسگزارم. از همسر عزیزم که با  
گذشت، همراهی صمیمانه و بزرگواری خاصی تکیه گاه و مشوق من بوده‌اند کمال تشکر را  
دارم و امیدوارم بتوانم قدردان زحمات یکایک این خوبان باشم.

## چکیده

در این پژوهش به بررسی رابطه عقل و دین از دیدگاه دو متکلم - فیلسوف مسلمان با گرایش‌های اشعری و امامی یعنی فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی پرداخته شده است. به منظور یافتن دیدگاه آنان در خصوص جایگاه عقل در اثبات و تبیین آموزه‌های دینی و راه حل‌های ارائه شده در موضوعات مورد تعارض عقل و وحی، آرای دو متفکر در موضوعات مختلف از جمله پنج مسأله مهم کلامی یعنی صفات و اسماء الهی، رؤیت خداوند، حدوث یا قدم جهان، علم خداوند به جزئیات و معاد جسمانی بررسی و مقایسه شده است. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که خواجه نصیرالدین طوسی تمامی گزاره‌های دینی را عقل‌پذیر دانسته و به این ترتیب در گروه عقل‌گرایان حداکثری جای می‌گیرد، در حالی که فخر رازی اغلب گزاره‌های دینی را عقل‌پذیر و برخی را مانند مسأله رؤیت خداوند، عقل‌گریز می‌داند؛ بنابراین در زمره عقل‌گرایان معتدل جای می‌گیرد. این دو متفکر مسلمان در جهت هم‌گرایی عقل و وحی و عقل‌پذیر نمودن باورهای دینی تلاش بسیار نموده‌اند، اما خواجه نصیر به دلیل شناخت بیشتر و صحیح‌تری که از فلسفه و نیز از دین اسلام در قالب مکتب تشیع داشته است، در این امر موفق‌تر بوده و با تلاش‌ها و ابداعات خود، مکتب کلام فلسفی را پایه‌گذاری کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** عقل و دین، عقل‌گرایی، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی

## **The relation between Reason and Religion from Fakhr al-Din al-Razi and Khajeh Nasir al-Tusi's viewpoints**

### **Abstract**

In this study, the relation between “Reason” and “Religion” from two Muslim theologian and philosopher's viewpoints, Fakhr al-Din al-Razi and Khajeh Nasir al-Tusi, respectively possessing Ash'ari and Shi'a attitudes, were investigated. In order to find out their standpoints on the stage of the Reason to state and proof the religious doctrines and to present their solutions for the problem of the versatility between Reason and revelation, the both philosopher's ideas about the five, different theological problems were studied and compared, including God's names and his attributes, the observation of God, the creation or the everlasting of the world, the God's knowledge to details and the corporeal and materialistic afterlife. It can be concluded that al-Tusi identified that all religious terms are rational and so he was a strong rationalist, whereas al-Razi considered that very of the religious terms are rationally acceptable but some of them such as the observation of God are irrational, therefore he was of the moderate rationalists. The both Muslim philosophers attempted to show that the reason and the divine inspiration are coherent and agreed and they tried to rationalize and intellectualize the most of the religious beliefs but al-Tusi because of his exact, further and perfect recognition of the philosophy and the Islam under the Shiite tradition was more successful and it has been remarked that he established the method of the philosophical theology.

*Keywords:* Reason and Religion, Rationalism, Fakhr al-Din al-Razi, Khajeh Nasir al-Tusi

## فهرست مطالب

### فصل اول مقدمه و کلیات

- ۲ ۱-۱ طرح مسأله و تبیین موضوع
- ۵ ۲-۱ پیشینه پژوهش
- ۸ ۳-۱ پرسش ها
- ۸ ۴-۱ فرضیه ها
- ۹ ۵-۱ ضرورت پژوهش، هدف و سودمندی آن
- ۱۰ ۶-۱ روش پژوهش
- ۱۱ ۷-۱ ساختار پژوهش
- ۱۲ ۸-۱ تعریف واژه های مهم

### فصل دوم رابطه عقل و دین از دیدگاه فخر رازی

- ۱۶ ۱-۲ مروری بر زندگی و آثار فخرالدین رازی
- ۱۸ ۱-۱-۲ فخر رازی در میانه متکلمان و فیلسوفان
- ۲۱ ۲-۲ رابطه عقل و دین در مکتب کلامی اشاعره
- ۲۳ ۱-۲-۲ ابوالحسن اشعری
- ۲۸ ۲-۲-۲ باقلانی
- ۲۹ ۳-۲-۲ جوینی
- ۳۲ ۴-۲-۲ غزالی
- ۳۹ ۵-۲-۲ ویژگی های کلام اشعری
- ۴۸ ۳-۲ جایگاه عقل در نسبت با دین از نظر فخر رازی
- ۴۸ ۱-۳-۲ تعریف و جایگاه عقل از دیدگاه فخر رازی
- ۵۱ ۲-۳-۲ وحی و نبوت از دیدگاه فخر رازی
- ۵۷ ۳-۳-۲ توانمندی های عقل در اثبات آموزه های دینی از منظر فخر رازی
- ۵۸ ۴-۳-۲ اثبات پذیری آموزه های وحیانی از منظر فخر رازی
- ۶۲ ۵-۳-۲ کلام و فلسفه از دیدگاه فخر رازی



- ۶۵ ۴-۲ تعارضات عقل و دین و راه حل آن‌ها در دیدگاه فخر رازی
- ۶۵ ۱-۴-۲ حدود عالم، قاعده الواحد و کیفیت صدور کثرت از وحدت
- ۶۸ ۲-۴-۲ رؤیت حق تعالی
- ۷۱ ۳-۴-۲ صفات و اسماء الهی
- ۷۳ ۴-۴-۲ علم خداوند به جزئیات
- ۷۵ ۵-۴-۲ معاد جسمانی
- ۷۸ ۶-۴-۲ قاعده کلی در تعارض عقل و نقل
- ۸۰ ۵-۲ جمع بندی و نتیجه گیری

### فصل سوم رابطه عقل و دین از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی

- ۸۹ ۱-۳ مروری بر زندگی و آثار خواجه نصیرالدین طوسی
- ۹۰ ۱-۱-۳ آثار
- ۹۳ ۲-۱-۳ نصیرالدین طوسی؛ فیلسوف یا متکلم؟
- ۹۷ ۲-۳ رابطه عقل و دین از دیدگاه فلاسفه مشاء
- ۹۷ ۱-۲-۳ فارابی
- ۱۰۱ ۲-۲-۳ ابوعلی سینا
- ۱۰۵ ۳-۲-۳ ابن رشد
- ۱۱۰ ۴-۲-۳ جمع بندی
- ۱۱۱ ۳-۳ رابطه عقل و دین از دیدگاه شیعه امامیه
- ۱۱۳ ۱-۳-۳ عقل و دین از منظر پیامبر و اهل بیت (ع)
- ۱۱۶ ۲-۳-۳ رابطه عقل و دین از منظر متکلمین امامیه
- ۱۱۸ ۳-۳-۳ دوره‌های تاریخی کلام شیعی
- ۱۳۰ ۴-۳ جایگاه عقل و نسبت آن با دین از دیدگاه خواجه نصیر
- ۱۳۰ ۱-۴-۳ تعریف و جایگاه عقل
- ۱۳۵ ۲-۴-۳ وحی و نبوت از دیدگاه نصیرالدین طوسی
- ۱۳۸ ۳-۴-۳ توانمندی های عقل در اثبات گزاره های دینی
- ۱۴۰ ۴-۴-۳ اثبات پذیری آموزه های وحیانی

۱۴۴	۳-۴-۵ کلام و فلسفه از دیدگاه خواجه
۱۴۶	۳-۴-۶ تأویل در نظر خواجه
۱۴۹	۳-۵ تعارضات عقل و دین و راه حل آنها در دیدگاه نصیرالدین طوسی
۱۴۹	۳-۵-۱ قاعده کلی در تعارض عقل و نقل
۱۵۱	۳-۵-۲ حدوث عالم، قاعده الواحد و مسأله صدور کثیر از واحد
۱۵۴	۳-۵-۳ رؤیت حق تعالی
۱۵۶	۳-۵-۴ علم خداوند به جزئیات
۱۵۸	۳-۵-۵ مسأله صفات و اسماء الهی؛ استوای خداوند بر عرش
۱۵۹	۳-۵-۶ معاد جسمانی
۱۶۲	۳-۶ جمع بندی و نتیجه گیری
	<b>فصل چهارم تطبیق و مقایسه</b>
۱۶۹	تطبیق و مقایسه
۱۷۸	سخن پایانی
	<b>منابع و مأخذ</b>
۱۸۰	فهرست منابع

# فصل اول

## مقدمه و کلیات

## ۱-۱ طرح مسأله و تبیین موضوع

یکی از مباحث مهم در کلام جدید، بحث نسبت میان عقل و دین است. این مسأله از دیرزمان در میان متکلمان، هم در دنیای اسلام و هم در دنیای مسیحیت مطرح بوده است. پرسش اصلی این است که میان دستاوردهای عقل فلسفی و گزاره‌های دینی چه نسبتی وجود دارد؟ آیا این دو مؤید یکدیگرند؟ یا با یکدیگر معارض‌اند؟ و آیا می‌توان تمام باورهای دینی را عقل‌پذیر نمود؟ اصولاً توانایی عقل در اثبات و عقلانی نمودن باورهای دینی تا چه اندازه است؟

دانشمندان زیادی در غرب دربارهٔ نسبت عقل و دین یا عقل و ایمان بحث کرده‌اند که از آن جمله می‌توان آکویناس<sup>۱</sup>، کی‌یر کگارد<sup>۲</sup>، پاسکال<sup>۳</sup>، ویلیام جیمز<sup>۴</sup>، کالون<sup>۵</sup>، کارل بارت<sup>۶</sup>، هیوم<sup>۷</sup> و مایکل پترسون<sup>۸</sup> را نام برد. بر خلاف عالم مسیحیت و یهود که قبل از ظهور این ادیان، فلسفه در میان مردم وجود داشته و به مبارزه با ادیان برخاست، در جهان اسلام فلسفه زمانی راه یافت که اسلام حاکمیت یافته و تفکر دینی نضج گرفته بود. دانشوران مسلمان برای پاسخ‌گویی به مسائل و نیازهای نوپدید، ناگزیر بودند از محدودهٔ نص و دلالت‌های صریح آن فراتر روند، بنابراین به فلسفه روی آوردند.

در میان دانشمندان اسلامی نیز دربارهٔ نسبت میان عقل و دین یا عقل و ایمان اختلاف نظر وجود دارد. اهل حدیث و حنابله که به سلفیه معروفند به کلی عقلانی بودن دین و آموزه‌های دینی را منکرند و هرگونه بحث عقلی و چون و چرا در امور دینی را حرام و بدعت می‌دانند. اما فرقه‌های دیگر اسلامی اعم از معتزله و اشاعره و امامیه - با وجود اختلاف در دیدگاه‌ها- به‌کارگیری عقل و منطق را در اعتقادات و آموزه‌های دینی روا و بلکه لازم می‌دانند.

مکتب اشعریت که با انشعاب از اعتزال آغاز گشت، در صورت اولیه خود بیشتر

<sup>1</sup> Thomas Aquinas

<sup>2</sup> Soren Kierkegaard

<sup>3</sup> Blaise Pascal

<sup>4</sup> William James

<sup>5</sup> Jan Calvin

<sup>6</sup> Carl Barth

<sup>7</sup> David Hume

<sup>8</sup> Michael Peterson

توجیه‌گر عقاید اهل حدیث در چهارچوب‌های ظاهراً عقلی و غالباً جدلی بود. بخش اعظم اشاعره توجیه و تحلیل عقلانی از شریعت اسلامی را نمی‌پذیرفتند و عقل آدمی را ناتوان‌تر از این می‌دیدند که بتواند ملاک‌های مورد نظر را کشف نموده و حسن و قبحی را - پیش از دستور خداوند - درک کند. اما اشاعره متأخر چون غزالی و فخر رازی رویکرد عقلانی این مکتب را بیشتر کرده و با گرایش به عقل‌گرایی و استفاده از مفاهیم فلسفی و براهین عقلی در آثار خود، دیدگاه‌های این مکتب را به فلسفه نزدیک‌تر کردند.

از میان متکلمین اشعری، فخر رازی بیش از همه به عقلانی نمودن باورهای این مکتب پرداخته و سعی نمود علی‌رغم همه مخالفتی که با عقل‌گرایان و فلاسفه می‌نمود، معتقدات مکتب اشعری را در قالب‌های عقلی و منطقی بریزد و به نوعی بین دین و عقل فلسفی سازش برقرار کند.

اما تشیع از ابتدا با عقل‌گرایی پیوند اصیل داشت. طرح مباحث عمیق الهی از طرف ائمه اطهار و در رأس آن‌ها حضرت علی(ع)، باعث شد که عقل شیعی از دیرزمان به صورت عقل فلسفی و استدلالی درآید. ذخایر ارزشمندی که از پیشوایان دینی شیعه به جای مانده، باعث شده است که علمای شیعه در موضوعات دینی به مباحث عقلی روی آورند.

در اندیشه شیعی علم کلام هم به معنای نظر و هم به معنای مناظره دیرتر مقبول افتاد، لیکن تفلسف از آغاز با مرتبه‌ای رقیق از تشیع - که گاهی از آن به تشیع عام تعبیر می‌شود - همراه بود. بعدها با جمع شدن بساط فلسفه در میان اهل سنت، تنها تشیع امامی پذیرا و تداوم‌بخش سنت فلسفی گردید.

در میان فیلسوفان مسلمان از کندی تا فارابی و بوعلی تا فیلسوفان متأخر همواره سخن از سازگاری عقل و ایمان و وحی و فلسفه بوده است؛ سازگاری به این معنا که پای‌بندی به هر کدام لزوماً به معنای نفی دیگری نیست. در نظر برخی فیلسوفان همه یافته‌های عقلانی برهانی را می‌توان به وحی مستظهر نمود و همه داده‌های وحیانی را می‌توان برهانی کرد. برخی از متفکران، جمع این دو مقوله را ممکن دانسته و به هنگام بروز تعارض، قطعیات عقلی را بر ظواهر دینی مقدم نموده، راه تأویل نصوص دینی را پیش گرفته‌اند. ابن‌رشد در کتاب فصل‌المقال چنین ادعایی کرده است. اما در این خصوص

داوری‌های دیگری نیز وجود دارد که فلاسفه دیگر و متکلمین امامی و اشعری در پیش گرفته‌اند و اصولاً نحله‌های مختلف کلامی در اسلام بر اثر چگونگی برخورد با متشابهاتِ نصوص دینی به وجود آمده‌اند. برخی فرق اسلامی آیات متشابه قرآن کریم را بر ظاهر آن حمل کرده و به جسمانیت خدا قائل شدند؛ دسته دیگر قائل به جبر شدند. گروهی به تفویض گراییدند. طایفه‌ای به انگیزه تنزیه خدا، صفات را از وی سلب کردند و او را فاقد صفات دانستند و گروهی دیگر به تشبیه گراییدند. پیدایش نحله‌های کلامی در تاریخ اسلام عمدتاً از قضاوت در مورد آیات متشابه قرآن کریم و تأویل‌های آن‌ها ناشی شده است.

جریان نزاع عقل و دین در تاریخ اسلام، چیزی نیست که تنها در صدر اسلام و در درگیری‌های دو مکتب فکری اشاعره و معتزله رشد کرده و منحصر باشد. درگیری عقل‌گرایان و نقل‌گرایان و به عبارت دیگر مکتب اهل حدیث و اهل رأی درگیری زودگذری نبوده است. از قرن چهارم به بعد، با حکم تکفیر و تفسیق فلاسفه از سوی حدیث‌گرایان، اصحاب حدیث و ظاهرگرایان بر اصحاب خرد پیروزی نسبی یافتند. با تداوم کشمکش‌های پایان‌ناپذیر و نزاع‌های فکری و اعتقادی در ساحت کلام و فلسفه، بر ابهام‌ها و تشتت‌ها افزوده شد تا آن‌جا که در قرن هفتم هجری با ظهور خواجه نصیرالدین طوسی، گام مهمی در جهت هم‌گرایی عقل و وحی برداشته شد و مکتب کلام فلسفی پایه‌گذاری شد و اختلافات و درگیری‌های متمادی از میان متکلمین و فلاسفه رخت بریست.

خواجه طوسی به عنوان یک فیلسوف- متکلم شیعی تمام تلاش خود را بر بیان منطقی و معقول باورهای مکتب شیعه دوازده امامی مصروف داشت و در کتاب مهم خود تجریدالاعتقاد، معتقدات شیعه را با براهین فلسفی به اثبات رسانید. وی با آثاری که در رد تفکر اشاعره و مخالفان عقل‌گرایی نگاشت، به استحکام و بازگشت مجدد تفکر مشائی به عرصه تفکر اسلامی کمک شایانی کرد.

فخر رازی و نصیرالدین طوسی، علی‌رغم اعتقادی که به نقش مؤثر عقل در اثبات و تبیین باورهای دینی دارند، داوری‌های متفاوتی در تعارضات پیش‌آمده میان عقل و وحی ارائه می‌دهند. راه حل‌هایی که گاه یک گره اعتقادی را می‌گشاید و گاه آن را برای متدینان باورناپذیرتر می‌نماید.

بی‌شک پایداری یک تفکر دینی و تداوم آن در تاریخ مذاهب به عقل‌پذیر بودن

آموزه‌های آن مکتب و توانایی پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌های روز باز می‌گردد. شبهات و پرسش‌هایی که با پیشرفت دستاوردهای عقلی و علمی بشر، روز به روز بیش‌تر و پیچیده‌تر شده و اذهان متدینان را به چالش می‌کشد.

این پژوهش می‌کوشد با واکاوی نظر این دو متفکر در رابطه با نقش عقل در اثبات و تبیین گزاره‌های دینی، به راه حل‌های صحیح جهت رفع تعارضات پیش آمده میان دستاوردهای عقلی و آموزه‌های دینی و وحیانی بپردازد.

### ۱-۲ پیشینه پژوهش

بحث رابطه یا نسبت عقل و دین از مسائل کلام جدید است که به دلیل وجود تعارض‌های متعدد عقل و آموزه‌های دینی در مسیحیت، به طور گسترده از کلام مسیحی وارد کلام و الهیات عالم اسلام شده و موضوعات و مسائل خاص خود را به همراه آورده است؛ اما این بدان معنا نیست که در عالم اسلام، از بدو پیدایش تا عصر جدید مسائل مرتبط با عقل و دین مطرح نبوده و بحث نمی‌شده است.

می‌توان گفت در اغلب یا تمامی کتب کلامی که مسلمانان تاکنون نگاشته‌اند به نحوی به مباحث مرتبط با عقل و دین اشاره شده است؛ زیرا اعتقادات اصلی اسلام چون توحید، نبوت و معاد همگی از جمله مسائلی اند که اذهان متدینان و تفکر عقلی آنان را به چالش و پرسش وامی‌دارند و لاجرم وظیفه متکلمان، پاسخ‌گویی و داوری در این مباحث بوده است. اما در خصوص شخصیت‌های مورد نظر این پژوهش یعنی فخرالدین رازی و خواجه نصیرالدین طوسی و دیدگاه‌های فلسفی-کلامی آنان به مراتب پژوهش‌ها و آثار مکتوب کمتری موجود است.

از آن‌جا که فخر رازی بیشتر به عنوان یک متکلم شناخته می‌شود و سایر وجوه شخصیتی وی در مقابل علم کلام و تفاسیر وی کمرنگ است، درباره آراء و دیدگاه‌های کلامی وی آثار بیشتری به‌خصوص در عالم اهل سنت، به رشته تحریر درآمده است. اما خواجه نصیر طوسی در کنار این‌که فیلسوف و متکلم است، ریاضی‌دان، منجم، مهندس، سیاست‌مدار و اخلاقی نیز هست و این وجوه شخصیتی هر یک به تنهایی درخشش دارند؛ بنابراین آثاری که در خصوص شخصیت خواجه تألیف شده و می‌شود بیش از آن که حول

آراء و دیدگاه‌های فلسفی - کلامی وی دور بزند، بر محور سایر وجوه شخصیتی وی مبتنی است و آثار مرتبط با مباحث کلامی وی در پژوهش‌های اندیشمندان کمتر به چشم می‌خورد. از سوی دیگر خواجه در مقایسه با فلاسفه‌ای چون ابن‌سینا یا ملاصدرا یک فیلسوف مؤسس نیست و بیشتر او را شارح و مدوّن می‌شناسند تا مبدع ایده‌های جدید فلسفی یا کلامی. به همین دلیل حتی در پژوهش‌های فلسفی - کلامی نیز کمتر به شخصیت بزرگ و ایده‌های راه‌گشای خواجه نصیر پرداخته شده است.

با این‌که امروزه از آثار ریاضی یا هندسه و نجوم خواجه اثری در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها باقی نمانده است و این علوم با ورود علوم دقیقه‌روز به فراموشی سپرده شده و تدریس و تحقیق چندانی نیز نمی‌شود، غفلت از شخصیت کلامی وی به حدی است که سال‌روز تولد وی را روز مهندس نام نهاده‌اند؛ و این در حالی است که کتب فلسفی و کلامی وی چون شرح اشارات و تجریدالاعتقاد با گذشت قرن‌ها هنوز منبع اصلی درسی رشته‌های فلسفه و کلام اسلامی است.

این امر نشان از مظلوم واقع شدن چهره درخشان فلسفی-کلامی خواجه در جامعه و حتی مجامع علمی کشور دارد. از سویی خواجه نصیر با نقش مؤثری که تاریخ در سرنگونی دولت عباسیان برای وی قائل شده است، مغضوب بخشی از عالم اسلام (اهل تسنن) واقع شده و از سوی دیگر در میان پژوهش‌گران شیعی نیز آن اهمیتی که باید به آرای او مصروف نمی‌شود. در همین خصوص هیچ پژوهشی که به طور خاص به موضوع این پژوهش مثلاً رابطه عقل و دین از دیدگاه یکی از این شخصیت‌ها بپردازد مشاهده نشده و حتی مقایسه‌ای که بین سایر آرای این دو متفکر انجام شده باشد یافت نشده است.

بنابراین تنها در سابقه پژوهش به صورت کلی به سابقه پژوهش‌های مرتبط با بحث عقل و دین، و به صورت جزئی به پژوهش‌های مرتبط با آراء و افکار شخصیت‌های تحقیق یعنی فخر رازی و نصیرالدین طوسی اشاره می‌شود.



## کلی (در موضوع عقل و دین):

## الف- کتاب‌ها:

۱. فصل المقال فی ما بین الحکمه و الشریعه من الاتصال؛ ابن رشد
  ۲. آیا اعتقاد به خدا عقلانی است؟؛ نرگس نظر نژاد
  ۳. عقل در ساحت دین؛ شهاب الدین وحیدی
  ۴. عقل و اعتقاد دینی؛ مایکل پترسون
  ۵. عقل و دین از دیدگاه کانت؛ رضا بخشایش
  ۶. عقل و دین از دیدگاه ملاصدرا و برخی فیلسوفان صدرایی معاصر؛ عباس نیکزاد
  ۷. عقل و وحی در قرون وسطی؛ اتین ژیلسون
  ۸. عقلانیت و معنویت؛ غلامحسین ابراهیمی دینانی
  ۹. علم، عقل و دین؛ درک استینزی
  ۱۰. گزاره‌هایی در عقل و دین از دیدگاه امام علی (ع) و دین پژوهان؛ مسعود امید
  ۱۱. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام؛ غلامحسین ابراهیمی دینانی
  ۱۲. مناسبات دین و فلسفه در جهان اسلام؛ رضا اکبریان
  ۱۳. نزاع میان دین و فلسفه: از غزالی و ابن رشد تا طوسی و خواجه زاده؛ رضا سعادت
- ب- در زمینه پایان نامه:

۱. عقلانیت و دین؛ وحیده فخار نوغانی؛ ۱۳۸۳

## ج- مقالات:

۲. اعتبار خرد و نسبت آن با دین؛ مهدی رازی؛ ۱۳۷۴
۳. بستر تاریخی دفاع عقلانی از دین؛ اکبر قنبری؛ ۱۳۷۴
۴. رابطه عقل با ایمان از منظر متکلمین اسلامی و مسیحی؛ ۱۳۸۵
۵. عقلگرایی و نصگرایی در کلام اسلامی؛ محمدتقی سبحانی؛ ۱۳۷۴
۶. ماهیت عقل و تعارض عقل و وحی؛ رضا برنجکار؛ ۱۳۷۴
۷. معقولیت اعتقادات دینی؛ احمد نراقی؛ ۱۳۷۴
۸. مفهوم عقل دینی؛ محمدتقی فاضل؛ ۱۳۷۴
۹. نسبت شناسی عقل و وحی؛ محمود کلانی؛ ۱۳۸۷

به صورت جزئی (درباره نظریات شخصیت‌ها)

الف- کتاب‌ها:

۱. فخر رازی؛ اصغر دادبه
۲. فخرالدین الرازی و آراؤه الکلامیه و الفلسفیه؛ محمد صالح زرکان
۳. نصیرالدین طوسی، فیلسوف گفتگو؛ غلامحسین ابراهیمی دینانی

ب- مقالات:

۱. آراء کلامی فخرالدین رازی؛ اصغر دادبه؛ ۱۳۶۵
۲. شناخت‌شناسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی؛ مرتضی یوسفی راد؛ ۱۳۸۶
۳. عقل و عقلانیت در تفکر و آثار خواجه نصیرالدین طوسی؛ اعظم شادمان؛ ۱۳۸۸
۴. نصیرالدین طوسی در میانه متکلمان و فیلسوفان؛ عظیم حمزه‌ای‌یان

### ۳-۱ پرسش‌ها

پرسش اصلی پژوهش این است که نظر این دو متفکر مسلمان درباره رابطه عقل و دین چیست؟ اما این پرسش در سه پرسش فرعی مهم خلاصه می‌شود. بدین صورت که دیدگاه فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی درباره سؤالات زیر چیست؟

۱. آیا می‌توان تمام باورها و گزاره‌های دینی را عقل‌پذیر نمود؟
۲. تعارضات میان دستاوردهای عقل فلسفی و فرآورده‌های دینی و ایمانی، آیا واقعی است یا ظاهری؟

۳. در صورتی که این تعارضات ظاهری باشد، راه رفع تعارض میان عقل و دین چیست؟

### ۴-۱ فرضیه‌ها

در این پژوهش فرضیه‌هایی را بر اساس مطالعات و تحلیل‌های اولیه مطرح کرده‌ایم که عبارتند از:

۱. رویکرد فخر رازی و خواجه نصیر هر دو به سمت عقلانی نمودن تمامی گزاره‌های دینی است.
۲. فخر رازی و خواجه نصیر طوسی تعارض عقل و گزاره‌های دینی را ظاهری

می دانند.

۳. خواجه نصیر رفع تعارض ظاهری میان نص دینی و دستاوردهای عقل فلسفی را عمدتاً در تأویل متون دینی و فخر رازی رفع تعارض را عمدتاً در تأویل عقل می دانند.

در جریان هر پژوهش ممکن است فرضیات تحقیق، اثبات و یا رد شوند. و نقش آن‌ها این است که پژوهش‌گر را در جهت رسیدن به پاسخ پرسش‌های خود راهنمایی کنند. همان‌طور که خواهیم دید بخشی از فرضیه اول و بخشی از فرضیه سوم این پژوهش پس از بیان مستندات و انجام بررسی‌ها و تحلیل‌های عقلی مرتبط، به گونه‌ای دیگر منتج شد و دقیقاً به صورت پیش‌گفته، اثبات نشد. بلکه نتیجه دیگری که به نظر نگارنده ویژگی این پژوهش است، اثبات و تحقیق شد.

### ۱-۵ ضرورت پژوهش، هدف و سودمندی آن

مسئله رابطه عقل و دین از عمده مسائلی است که ذهن هر متدینی را به چالش می‌کشد. این چالش‌ها پس از همه‌گیر شدن بسیاری از دستاوردهای عقل فلسفی در قرون جدید بیش‌تر و عمیق‌تر شده است و عموم متدینان با این پرسش مواجه‌اند که آموزه‌های دینی آنان تا چه حد عقل‌پذیر، عقل‌گریز و یا عقل‌ستیز اند؟ آیا برای مؤمن بودن باید عقل را به کناری نهاد و یا برای تعمیق باورهای دینی باید از عقل کمک گرفت و حتی برای اعتقادات دینی خود باید دلیل و برهان عقلی داشت؟ و اصولاً در موارد تعارض گزاره‌های دینی با آموزه‌های عقلی کدام را باید برگزید؟

در این تحقیق مسائل مورد اشاره از دیدگاه دو متکلم - فیلسوف اشعری و امامی بررسی می‌شود. اندیشمندانی که می‌دانیم دیدگاه‌های کلامی آنان در میان اهل سنت و شیعیان طرفدارانی دارند که امروزه نیز گاه بر سر اثبات معتقدات دینی و مدعاهای کلامی با یکدیگر نزاع و گفتگو می‌کنند.

علت دیگر برگزیدن این دو اندیشمند، گفتگو و پاسخ‌گویی‌ای است که در طول تاریخ با یکدیگر داشته‌اند. خواجه نصیر در دو کتاب ارزشمند شرح اشارات و تلخیص المحصل به نقد و بررسی و پاسخ‌گویی دیدگاه‌ها و اشکالات فخر رازی پرداخته است. از

این رو دیدگاه‌های این دو متفکر با یکدیگر قابل تطبیق و مقایسه بیشتری می‌باشد. بی‌تردید مکتب کلامی‌ای در طول تاریخ تفکر انسانی باقی خواهد ماند، رشد خواهد کرد و برگ و بار خواهد داد که بتواند در مواجهه با سؤال‌های اذهان متشرعان، پویایی خود را حفظ نموده و به پرسش‌های روز پاسخ درخور بدهد. حتی با شناخت شبهه‌ها، سؤال‌ها و چالش‌های پیش رو، خود را برای مواجهه با آن‌ها در آینده آماده نماید و این جز با عقل‌پذیر بودن آموزه‌های آن مکتب امکان‌پذیر نیست.

هدف ما از این پژوهش، شناخت شخصیت‌های تأثیرگذار کلام اسلامی و شناخت جایگاه این دو متفکر در تقسیم‌بندی اندیشمندان در مباحث کلی عقل و دین و دستیابی به علت و منشأ ارائه برخی نظریات خاص از سوی آنان می‌باشد.

این تحقیق برای کلیه علاقمندان به مباحث فلسفی - کلامی و الهیات و کلام جدید و خصوصاً مباحث عقل و دین و پژوهش‌گران کلام اسلامی مرتبط با شخصیت‌های مورد تحقیق سودمند خواهد بود و حتی ایده‌های جدیدی در چگونگی برخورد و تحلیل نظریات مختلف اندیشمندان ارائه خواهد نمود زیرا با وجود کارهایی که در زمینه رابطه عقل و دین تاکنون انجام شده است، نسبت میان عقل و دین از دیدگاه این دو متکلم - فیلسوف اشعری و امامی (فخر رازی و نصیرالدین طوسی) تاکنون مقایسه نشده است.

با شناخت رابطه صحیح میان دستاوردهای عقل فلسفی و گزاره‌های دینی و ایمانی، از سویی می‌توان به تحکیم باورهای دینی متدینان و توان دفاع از عقاید آنان که هدف علم کلام است دست یافت و از سویی با آموزش چگونگی برخورد و روش داوری در تعارضات میان این دو، با افزایش کارآمدی دین در عرصه‌های مختلف زندگی بشر امروز، به پرسش‌های فراروی آن در جامعه پاسخ‌های مناسب داد.

## ۱-۶ روش پژوهش

روش گردآوری مطالب این تحقیق بصورت اسنادی از طریق جست‌وجو در منابع کتابخانه‌ای و مجلات و بعضاً منابع الکترونیکی بوده است. هم‌چنین روش تحلیل و جمع‌بندی داده‌ها به صورت تبیین و توجیه عقلی و مقایسه و تطبیق آراء به شیوه عقلی و منطقی بوده است. این پژوهش یک بررسی برون دینی است و فصل‌های دوم و سوم آن به